

وجوه اعرابی و نقش آن در ترجمه قرآن کریم

اثر: دکتر سید علی میرلوحی

از: دانشگاه اصفهان

چکیده:

در این مقاله نقش وجوه اعرابی در ترجمه قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نخست وجوه اعرابی به دو دسته تقسیم شده است:

۱ - وجوه اعرابی که تغییر اساسی در ترجمه آیات قرآن کریم به وجود نمی آورد.

۲ - وجوه اعرابی که موجب تغییر بنیادی در معنی و ترجمه آیه می شود. آنگاه نمونه ای از نوع اول، و نمونه ای از نوع دوم ارائه شده است.

نویسنده پس از تبیین مطلب فوق به این نتیجه می رسد که:

۱ - تا زمانی که اختلاف در وجوه اعرابی قرآن کریم وجود دارد،

اختلاف در ترجمه آنها غیر قابل اجتناب است.

۲ - پاره ای از خرده گیریهای ناقدان ترجمه های کلام الهی نتیجه

عدم توجه ایشان به وجوه مختلفی اعرابی است، و از این رو ممکن است یک آیه مطابق وجهی که ناقدی برگزیده اشتباه و مطابق وجه دیگر صحیح باشد.

۳ - ما اگر بخواهیم امانت در ترجمه کلام الهی را رعایت کنیم باید

یک آیه را مطابق همه وجوه اعرابی گفته شده ترجمه نماییم، و یا دست کم به وجه اعرابی برگزیده خود اشاره کنیم.

مقدمه:

شکی نیست که تاکنون کوششها و تلاشهای شایسته تحسین و تقدیری در زمینه ترجمه قرآن کریم از سوی دانشمندان و مترجمان توانا و زبردست - که کوشش همگی ایشان مأجور باد - به عمل آمده است. وقتی محصول این کوششها را پیش روی خود قرار می‌دهیم، و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، در می‌یابیم که به ندرت اتفاق می‌افتد که ترجمه‌های یک آیه کاملاً و از همه جهات همگون و همسان باشد؛ و غالباً ترجمه‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی کلی یا جزئی دارند. و همین امر محققان علاقه‌مند به معارف قرآنی را در عصر حاضر بر آن داشته تا ترجمه‌ها را در کفّه نقد و بررسی قرار دهند، و نقاط ابهام و اشکال آنها را بازگو کنند. این کار هر چند موجب می‌شود تا هم کار مترجمان محترم کلام الهی کاملتر و بهتر ارائه شود و هم راه برای مترجمان در آینده هموارتر و روشنتر گردد، اما به نظر این جانب به جای پرداختن به اصلاحات موضعی و نقد و خرده‌گیریهای موردی بهتر است موضوع را به گونه‌ای اساسی مورد بحث و بررسی قرار دهیم، و منشأ اختلاف ترجمه‌ها را پی‌جویی نماییم، و این کاری است که شاید برای نخستین بار در این مقاله مطرح و یکی از عوامل اختلاف ترجمه‌های قرآن کریم به بحث گذاشته می‌شود. و اینک خلاصه و سپس تفصیل این بحث از نظر محققان ارجمند می‌گذرد:

یکی از عوامل اختلاف ترجمه‌های قرآن کریم وجوه اعرابی مختلفی است که در ترکیب یک آیه گفته شده و یا قابل فرض و تصوّر است. این وجوه مختلف گاه موجب اختلاف ظاهر ترجمه و گاه عامل دگرگونی حقیقت آن است. با اثبات این مطلب نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- تا زمانی که اختلاف در وجوه اعرابی آیات قرآن مجید وجود دارد اختلاف در ترجمه آنها غیر قابل اجتناب است.

۲- پاره‌ای از خرده‌گیریه‌های ناقدان ترجمه‌های قرآن کریم نتیجه غفلت ایشان از وجوه اعرابی گوناگون است، و از این‌رو امکان دارد ترجمه یک آیه مطابق وجهی که ناقدی برگزیده اشتباه، و مطابق وجه دیگر صحیح باشد.

۳- ما اگر بخواهیم امانت در ترجمه کلام الهی را رعایت کنیم، باید یک آیه را مطابق همه وجوه اعرابی گنشته شده ترجمه نماییم و یا دست کم به وجه اعرابی برگزیده خود اشاره کنیم. و اکنون تفصیل بحث:

وجوه اعرابی قرآن کریم:

یکی از شاخه‌های علوم قرآنی که پژوهندگان معارف الهی باید با آن آشنایی کامل داشته باشند، علم «اعراب القرآن» است؛ و از این‌رو بسیاری از دانشمندان گذشته و معاصر همّت خود را صرف تدوین کتابهایی در تبیین و توضیح اعراب کلام الله نموده، و آثاری ارزنده و جاوید از خود به جا گذاشته‌اند.^(۱)

وجوه اعرابی مؤثر در ترجمه قرآن کریم بر دو گونه است:

۱- وجوه مؤثر در شکل و ظاهر ترجمه، هر چند همه آن شکلها به یک حقیقت و یک مفهوم بازگشت می‌کند.

۲- وجوه مؤثر در حقیقت و کینه ترجمه از جنبه‌های مختلف فقهی، عقیدتی و کلامی و جز آن.

و اینک یک نمونه از نوع اول، و دو نمونه از نوع دوم تقدیم می‌گردد، آنگاه به بحث پیرامون نتایج مورد نظر، چنان‌که در خلاصه مقاله به آن اشاره شد، می‌پردازیم.

چنان‌که ملاحظه می‌شود از ضرب ۶ وجه اعراب «هدی للمتقین» در ۳ وجه اعراب «تابعیت» «کتاب» ۲۴ وجه، و از ضرب آن در ۴ صورت اول اعراب آیه، ۹۶ وجه، و از جمع آن با ۱۲ وجه حاصل از صورت ۵ و ۶ به اضافه ۶ وجه حاصل از صورت ۷ و ۸، جمعاً ۱۱۴ وجه اعرابی در آیه مورد بحث، به دست می‌آید؛^(۲) که ذیلاً ترجمه آن را بر اساس ۸ صورت مذکور با فرض «حالیّت» یا خبریّت جمله «هدی للمتقین» بیان می‌نماییم.

- ۱- آن کتاب شکی در آن نیست؛ در حالی که راهنمای پرهیزگاران است.
 - ۲- الم (نام سوره) آن کتاب است؛ در حالی که شکی در آن نیست؛ و در حالی که راهنمای پرهیزگاران است.
 - ۳- این آن کتاب است؛ در حالی که شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.
 - ۴- این الم (نام سوره) است، آن کتاب است، در حالی که شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.
 - ۵- آن، این کتاب است، در حالی که شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.
 - ۶- الم (نام سوره)، آن، این کتاب است، در حالی که شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.
 - ۷- آن کتاب، در حالی که شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.
 - ۸- آن کتاب، شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.
- ترجمه‌هایی که از برخی فضیله‌های قدیم و معاصر در دست داریم تقریباً همخوان با برخی از وجوه اعرابی مذکور است که ذیلاً چند نمونه آن نقل می‌شود:
- ۱- این کتاب [که به تو می‌آرند] جای شک در آن نیست [که آن سخن خداست عزّوجلّ]، راهنمودی است و احق پرهیزگاران [از کفر و شرک و معاصی]^(۳)
 - ۲- این نامه‌ای است، در آن شک نیست که راهنمای پرهیزگاران است.^(۴)
 - ۳- آن کتابی (که قبل از این در کتب متقدمه چون تورات و انجیل وعده داده بودیم که در صفحه روزگار هرگز محو نشود) این کتاب است، که هیچ شک و شبهه ندارد، نیک دلالت‌کننده است، و راه راست نمایندنده بحق است برای جماعت پرهیزگاران.^(۵)

۴- آن است کتاب معلوم که نیست شکی در آن، هدایت است از برای پرهیزگاران. (۶)
چنانکه ترجمه‌های وجوه مختلف اعرابی آیه فوق نشان می‌دهد، اختلاف وجوه اثری اساسی و بنیادی در ترجمه آیه ندارد؛ هرچند سبب تغییراتی در ارکان جمله‌ها و عبارات شده است.

و اینک دو نمونه از آیات نوع دوم:

۱- «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ» (۷)

این آیه متضمن حکم یکی از شروط ذبح است؛ و آن وجوب تسمیه (نام بردن خدا یا <بسم‌الله> گفتن) است. در این شرط میان فقهای اسلام اختلاف است؛ فقهای شیعه امامیه تسمیه را شرط حلیت ذبیحه در حال عمد می‌دانند، ولی در حال سهو آن را شرط نمی‌دانند. (۸) از میان پیشوایان مذاهب اهل سنت ابوحنیفه، و ثوری همان اعتقاد شیعه را دارند. ابن‌سیرین و شعبی و مالک بن انس متروک‌التسمیه را چه از روی عمد و چه سهواً حرام می‌دانند، و برعکس شافعی آن را مطلقاً حلال می‌شمارد. و این اعتقاد متضاد مالکی و شافعی در این حکم ناشی از وجه اعرابی «واو» داخل بر جمله «وانه لفسق» می‌باشد. بنابر اعتقاد شافعی «واو» حالیه است، بنابراین حرمت اکل «متروک‌التسمیه» مقید به «فسق» بودن آن است، و فسق را خداوند در آیه دیگر ذبیحه‌ای که نام غیر خدا بر آن خوانده شده باشد تفسیر فرموده است. (۹) بنابراین ذبیحه‌ای که نام غیر خدا بر آن خوانده نشده - هر چند بدون نام بردن خدا ذبح شده باشد - حلال است. و بنابر مذاهب قائلان به حرمت مطلق متروک‌التسمیه «واو» استثنایه است - اگر عطف جمله اسمیه بر فعلیه و نیز عطف خبر بر انشاء را جایز ندانیم - و این جمله توضیح‌دهنده حکم تحریم است، و ظاهر آیه شریفه تعمیم حکم فسق بر هر متروک‌التسمیه است. (۱۰)

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ
أَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (۱۱)

این آیه مبین حکم وضو می‌باشد که در آن میان فقهای اسلام اختلاف است. فقهای شیعه

امامیه معتقدند وضوء عبارت است از دو غسل (شستن) و دو مسح (مسح کردن) و فقهای اهل سنت وضوء را عبارت از شستن صورت و دستها و پاها و مسح سر می دانند. استنباط این دو روش مختلف از آیه شریفه، از دو وجه اعرابی «ارجلکم» سرچشمه می گیرد. فقهای شیعه معتقدند که «ارجلکم» منصوب و معطوف بر محل «رؤوسکم» می باشد؛ زیرا محل آن نصب و «مفعول به» «امسحوا» است؛ بنابراین عامل که «امسحوا» است بر سر «ارجلکم» در می آید، و مشمول حکم مسح می شود. فقهای اهل سنت می گویند. «نصب ارجلکم» به واسطه عطف بر لفظ «وجوهکم» است و بنابراین عامل معطوف علیه که «اغسلوا» است بر سر آن در می آید و مشمول حکم غسل می گردد.^(۱۲)

اکنون که با ارائه یک نمونه از نوع اول اختلاف وجوه اعرابی و دو نمونه از نوع دوم نقش آن وجوه در اختلاف ترجمه ها روشن گردید می رسیم به بخش پایانی بحث و آن اثبات این مطلب است که برخی خرده گیریهای ناقدان ترجمه های قرآن کریم - از آنجا که معلول عدم توجه ایشان به تمام وجوه اعرابی یک آیه است - قابل مناقشه و احیاناً مردود است، که ذیلاً چند نمونه از این گونه نقدها و رد آنها بر اساس اختلاف وجوه اعرابی از نظر محققان ارجمنند می گذرد:

۱- «کُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ»^(۱۳)

مترجم محترم آقای بهبودی در ترجمه این آیه آورده اند: «همگان بوزینه شوید بوزینگان رانده اجتماع». آقای استاد ولی در مقاله ای تحت عنوان «ترجمه ای اسف انگیز از قرآن کریم» در نقد ترجمه مذکور می گویند: «در این جا (خاسئین) حال فاعل «کونوا»^(۱۴) یا خبر دوم آن است؛ نه صفت «قردة» و صحیح آن چنین است «و همگان بوزینه شوید و مطرود و رانده شده از اجتماع».^(۱۵)

بر اساس اختلاف وجوه اعرابی - هر چند ترجمه ناقد محترم بنابراین که «خاسئین» خبر دوم باشد می تواند صحیح باشد - اما نه تنها هیچ دلیلی بر رد ترجمه آقای بهبودی بر اساس صفت بودن خاسئین وجود ندارد، بلکه در برخی کتب اعراب قرآن به صفت بودن آن تصریح شده است.^(۱۶)

۲- «أَقْتَطَمْعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (۱۷)

نویسنده محترم مقاله «بررسی زبان شناختی...» نخست ترجمه آیه فوق را از استاد فقید مرحوم الهی قمشه‌ای و فاضل ارجمند آقای آیتی چنین نقل نموده‌اند:

«آیا طمع دارید که یهودیان به دین شما بگروند؛ در صورتی که گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه آن را تحریف می‌کنند، با آن که در کلام خدا تعقل کرده و معنی آن را دریافته‌اند» (۱۸)

«آیا طمع دارید که به شما ایمان بیاورند و حال آن که گروهی از ایشان کلام خدا را می‌شنیدند و با آن که حقیقت آن را می‌یافتند تحریفش می‌کردند، و از کار خویش آگاه بودند» (۱۹)

نویسنده مقاله مذکور پس از نقل آن دو ترجمه به مقایسه آنها با یکدیگر پرداخته، و سپس در مورد قابل قبول بودن ترجمه مترجم مرحوم آقای آیتی می‌نویسند:

«مرحوم الهی قمشه‌ای «و هم یعلمون» را به «ما عقلوه» و آیتی به «یحرفونه» ارجاع داده‌اند. باید در نظر داشت که «و هم یعلمون» جمله حالیه است از فاعل «یحرفونه» بدین ترتیب مرجع آن یحرفونه است و ترجمه آیتی که در آن «و هم یعلمون» را به عملی که یهودیان انجام داده‌اند، نسبت داده (و از کار خویش آگاه بودند) قابل قبول است» (۲۰)

توجه می‌فرمایید نظر پژوهنده محترم دائر بر قابل قبول بودن ترجمه مترجم ارجمند آقای آیتی مبتنی بر این است که «و هم یعلمون» حال از فاعل «یحرفونه» باشد، در صورتی که ترجمه استاد فقید مرحوم الهی قمشه‌ای هم بر اساس حال بودن جمله مذکور برای «ما عقلوه» چنان که برخی از نحویان گفته‌اند (۲۱) می‌تواند قابل قبول و بدون اشکال باشد.

۳- «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (۲۲)

نویسنده مقاله یادشده (بررسی زبان شناختی...) زیر عنوان «زمان فعل» پس از اشاره به لزوم رعایت زمان ساختارهای به کار گرفته شده، و برقراری تعادل زمانی بین افعال در زمان، ترجمه

آیه فوق را از استاد فقید مرحوم الهی قمشه‌ای و فاضل ارجمند آقای آیتی چنین نقل کرده است:

«محققاً اگر آنها ایمان آورند، و پرهیزگار شوند بهره‌ای که از خدا نصیب آنان شود، بهتر از هر چیز خواهد بود» (۲۳)

«اگر ایمان آورده و پرهیزگار شده بودند، پاداشی که از جانب خدا به آنها داده می‌شد، از هر چیزی نیکوتر می‌بود؛ اگر می‌دانستند» (۲۴)

آنگاه در مقایسه آن دو ترجمه و نقد ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای می‌نویسند: «در این جا گذشته بودن زمان افعال نادیده انگاشته شده، و افعال به زمان مضارع ترجمه گردیده‌اند، از سیاق آیه و ترجمه آیتی برداشت می‌شود که آنها ایمان نیاورده و پرهیزگار نشده‌اند. ولی با ترجمه افعال به صورت مضارع در ترجمه مرحوم قمشه‌ای می‌توان این برداشت را در فارسی داشت که هنوز برای ایمان آوردن و پرهیزگار شدن وقت باقی است.» (۲۵)

بدیهی است در این آیه پژوهنده محترم، ترجمه شرط و جزای «لو» را به زمان مضارع، ایراد و عیب ترجمه مرحوم الهی می‌دانند؛ در حالی که با در نظر گرفتن دو وجه اعرابی «لو» که هم می‌تواند شرط در گذشته و هم شرط در آینده باشد، (۲۶) و با عنایت به وجه تفسیری آیه، (۲۷) بنا بر وجه اول ترجمه آیتی، و بنا بر وجه دوم، ترجمه الهی قمشه‌ای می‌تواند صحیح باشد.

۴- «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوٰةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ» (۲۸)
نویسنده محترم همان مقاله، نخست ترجمه انگلیسی آیه فوق را به قلم آبروی چنین نقل می‌کند: (۲۹)

and thou shalt find them the eagerest:
of men for life. And of idolaters; there is one of them wishes if he might be spared a thousand years,...(P.12)

آنگاه بر وی خرده می‌گیرد که چرا بخش اول آیه را تا «علی حیوة» یک جمله کامل فرض کرده و آخر آن نقطه - که علامت پایان کلام است - نهاده و با این کار آیه را به دو سازه تقسیم نموده است.

در این آیه نیز نقش وجوه اعرابی در ترجمه کاملاً مشخص و روشن می‌شود؛ همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید ناقد محترم «واو» را قطعاً عاطفه دانسته‌اند و از این رو ترجمه آقای آربری را مورد نقد قرار داده‌اند؛ در حالی که وقتی به کتب تفسیر و اعراب قرآن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم برخی از مفسران و نحویان «واو» را استثنایه دانسته‌اند؛^(۳۰) و بنابراین نظر، جمله بعد از «علی حیوة» مستقل از جمله قبل می‌شود، و آوردن نقطه در پایان جمله اول چنان که مترجم محترم آورده‌اند بی‌اشکال است. شاید با تفحص بیشتر به موارد نقد دیگری از ترجمه‌های قرآن کریم دست یابیم که اگر وجوه اعرابی مورد نظر قرار گیرد، خود به خود آن موارد منتفی می‌شود.

امید است با کوششی که نگارنده در طی این گفتار به عمل آورد به مقصود خود از این بحث رسیده باشد، و آن این که نخست وجوه اعرابی مختلف یکی از عوامل مؤثر در اختلاف ترجمه‌های قرآن کریم است، دوم این که خورده‌گیریهای ناقدان ترجمه‌های قرآن کریم احیاناً بدون توجه به وجوه مختلف اعرابی است، و سوم این که اگر بخواهیم امانت در ترجمه کلام الهی را رعایت کنیم باید همه وجوه اعرابی گفته شده را در نظر بگیریم، و یکی از آنها را با دلایل قوی برگزینیم و به آن وجه در ذیل اشاره نماییم، و یا یک آیه را مطابق چند وجه اعرابی ترجمه نماییم.

چه خوب است کوششهای فردی در مجرای یک تلاش جمعی به فراهم آمدن یک ترجمه نمونه و دقیق از قرآن کریم منتهی گردد. ان شاء الله تعالی.

پانوشتها

- ۱- برای اطلاع از کتب اعراب قرآن، رک: فهرست منابع این مقاله، و نیز الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۶۰.
- ۲- برای وجوه اعرابی فوق رک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۶-۳۵، و الکشاف، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲.
- ۳- ترجمه و قصه‌های قرآن، ج ۱، ص ۳. این ترجمه مطابق است با صورت اول با فرض خبر بودن «هدی...» برای «ذلک».
- ۴- تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، ج ۱، ص ۵. مطابق صورت پنجم، با فرض خبریت «لاریب فیه» و حالت «هدی...».
- ۵- تفسیر زواره‌ای، ص ۳، مطابق صورت پنجم و با فرض خبر بودن «هدی للمتقین» برای «ذلک».
- ۶- قرآن کریم، ترجمه عباس مصباح‌زاده، ص ۳. مطابق صورت پنجم و با فرض خبر بودن «هدی للمتقین» برای «ذلک».
- ۷- سورة انعام: ۶، ۱۲۱.
- ۸- المختصر النافع، ص ۲۵۰.
- ۹- آن آیه این است: «قل لا جد فیما اوحی الی من محرمات علی طاعم یطعمه الا ان ینکح مینه او دماً مسفوحاً او لحم خنزیر فانه رجس او فسقاً اهل لغیر الله به: بگو در میان آنچه به من وحی شده نمی‌یابم چیزی که خوردنش حرام شده باشد مگر آن که مرداری باشد یا خون ریخته شده یا گوشت خوک، که آن پلید است یا ذبیحه‌ای باشد بر وجه فسق که نامی جز نام خدا بر آن بلند شده باشد» سورة انعام: ۶، ۱۴۵.
- ۱۰- رک: الکشاف، ج ۲، ص ۴۷، و اعراب القرآن و بیانه: ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۰، و مغنی اللیب، ص ۶۳۱.
- ۱۱- سورة مائده: ۵، آیه ۶.

- ۱۲- رک: مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۶۵، و الکشاف، ج ۱، ص ۵۹۵، و التبیان فی اعراب القرآن، ج ۱، ص ۴۲۲-۴۲۴.
- ۱۳- سورة مائدة: ۵ آیه ۶۰. و سورة اعراف: ۷ آیه ۱۱۶.
- ۱۴- شاید مقصود ناقد محترم از فاعل «کونوا» اسم «کونوا» است، و سهواً از اسم به «فاعل» تعبیر شده است.
- ۱۵- فصلنامه مترجم، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۱۲.
- ۱۶- رک: اعراب القرآن و بیانه، ج ۴، ص ۴۸۴.
- ۱۷- سورة بقره: ۲، آیه ۷۵.
- ۱۸- قرآن کریم، ترجمه الهی قشمه‌ای، ص ۱۲.
- ۱۹- قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۱۲.
- ۲۰- فصلنامه مترجم، سال سوم، شماره ۱۰، شاهسوندی، مقاله مذکور فوق، ص ۸۳.
- ۲۱- رک: التبیان فی اعراب القرآن، ج ۱، ص ۸۰.
- ۲۲- سورة بقره: ۲ آیه ۱۰۳.
- ۲۳- قرآن کریم، ترجمه الهی قشمه‌ای، ص ۱۸.
- ۲۴- قرآن کریم، ترجمه آیتی، ص ۱۷.
- ۲۵- فصلنامه مترجم، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۷۴-۷۵.
- ۲۶- رک: شرح ابن عقیل بشر الفیة ابن مالک، ج ۲، ص ۳۸۵، و النحو الوافی، ج ۴، ص ۴۵۹-۴۶۳.
- ۲۷- مقصود این است که اگر ضمیر «هم» در «لوانهم» به یهودیان زمان پیامبر اکرم (ص) برگردد، «لو» شرطیه غیر امتناعیه و برای شرط در مضارع است. رک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۷۱، و الکشاف، ج ۱، ص ۳۰۱، و التفسیر الکبیر امام فخرالدین رازی، ج ۳، ص ۲۴۱.
- ۲۸- سورة بقره: ۲، آیه ۹۶.
- ۲۹- فصلنامه مترجم، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۹۱.
- ۳۰- مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۶۵.

فهرست مراجع

- ۱- آیتی، عبدالمحمد: ترجمه قرآن کریم، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۷ ه.ق.
- ۲- ابن عقیل، عبدالله بن عقیل: شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، ج ۲، المكتبة التجارية، مصر، ۱۳۸۴ هـ / ۱۹۶۴ م.
- ۳- ابن هشام الانصاری، جمال الدین: مغنی اللیب عن کتب الاعراب، تحقیق الدكتور مازن مبارک و محمد علی حمد الله، ط ۵، بیروت ۱۹۷۹.
- ۴- ابوالبقاء العکبری، عبدالله بن الحسین: التبیان فی اعراب القرآن، ج ۲، تحقیق علی محمد البجاوی، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۷ م.
- ۵- الاخفش، سعید بن مسعدة: معانی القرآن، ج ۲، تحقیق عبدالامیر محمد امین الورد، ط ۱، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.
- ۶- الهی قمشه ای، مهدی: ترجمه قرآن کریم، ط ۳، انتشارات گلی، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۷- الثعالبی، عبدالرحمن بن محمد: جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۱، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
- ۸- جلال الدین، محمد بن احمد المحلی، و جلال الدین عبدالرحمن السیوطی: تفسیر الجلالین، طبعة حجر، ۱۲۷۶ هـ.
- ۹- حبیب الله آموزگار: خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید از تفسیر کشف الاسرار، ج ۱، ط ۳، چاپ اقبال، ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۱۰- الحلّی، نجم الدین جعفر بن الحسن: المختصر النافع، دارالکتاب العربی، القاهرة، ۱۳۷۶ ه.ق.
- ۱۱- الدسوقی، محمد عرفه: حاشیه مغنی اللیب لابن هشام الانصاری، المطبعة الحمیدیة، مصر، ۱۳۵۸ هـ.

- ١٢- رکن الملک: ترجمه قرآن کریم، چاپ سنگی، ١٣١٦ هـ.ش.
- ١٣- الزجاج، ابراهیم بن السری: اعراب القرآن، تحقیق و دراسة ابراهیم الابیاری، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، ١٤٠٦ هـ / ١٩٨٦ م.
- ١٤- الزمخشری، محمود بن عمر: الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل، ٤ ج، انتشارات آفتاب، تهران.
- ١٥- الزواری، علی بن الحسین: تفسیر و ترجمه قرآن کریم، به همت محمدحسین المولوی. شرکت سهامی طبع کتاب، تهران، ١٣٦٨ هـ.ش / ١٣٣٧ هـ.ق.
- ١٦- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن: (١) الاتقان فی علوم القرآن، ج ٢، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، مطبعة المشهد الحسینی، القاهرة، ١٣٨٧ هـ / ١٩٦٧ م. (٢) البهجة المرضیة المشهور بالسیوطی، چاپ سنگی، ایران، ١٣٣٠ هـ.ق.
- ١٧- الطبرسی، الفضل بن الحسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ١٠ ج، تصحیح و تعلیق السید هاشم الرسولی المحلاتی و السید فضل الله الطباطبائی، شركة المعارف الاسلامیة، تهران ١٣٧٩ هـ.ق.
- ١٨- عباس حسن: النحو الوافی، ج ٣ و ٤، ط ٤، دارالمعارف، مصر.
- ١٩- فخرالدین بن ضیاء الدین: التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ٣، ط ٣، دارالفکر، بیروت.
- ٢٠- الفراء، یحیی بن زیاد: معانی القرآن، ٢ ج، عالم الکتب، بیروت، ١٤٠١ هـ / ١٩٨٣ م.
- ٢١- محمود الصافی: الجدول فی اعراب القرآن و صرفه، ج ٨، مؤسسة الایمان، بیروت، ١٤٠٩ هـ / ١٩٨٨ م.
- ٢٢- محیی الدین الدریش: اعراب القرآن الکریم و بیانه، ١٠ ج، دارالارشاد للشؤون الجامعیة، حمص، ١٤٠٨ هـ / ١٩٨٨ م.
- ٢٣- مصباح زاده، عباس: ترجمه قرآن کریم، ط ٢، انتشارات علمی ایران، تهران، ١٣٧٢ هـ.ش.
- ٢٤- مکی بن ابی طالب القیسى: مشکل اعراب القرآن، تحقیق یاسین محمد السواس، ٢ ج، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، ایران، ١٣٦٢ هـ.ش.

۲۵- نجم‌الدین عمر نسفی: تفسیر نسفی، تصحیح عزیزالله جوینی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ه.ش.

۲۶- یحیی مهدوی، و مهدی بیاتی: تصحیح و تحقیق: ترجمه و قصه‌های قرآن، مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، ج ۱، تهران، ۱۳۳۸ ه.ش.

مقالات

۱- استاد ولی: ترجمه‌ای اسف‌انگیز از قرآن کریم، فصلنامه مترجم، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۷۲، ص ۱۱۲.

۲- شاهسوندی: بررسی زبان‌شناختی...، فصلنامه مترجم، سال سوم، شماره ۱۰، سال ۱۳۷۲، ص ۷۵-۷۴، ۸۳-۸۲، ۹۱.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی